

(کسب و کار مشروع از نظر دین اسلام)

نقل از رساله - الاسلام ... دارالتقريب سال سوم بقلم استاد فاضل
شیخ محمد مدنی بازرس در جامعه (ازهر)

پیش از آنکه وارد اصل مطلب بشویم بطور تمهید مقدمه می‌گوئیم :
آن‌آنکه سروکار با شریعت اسلام دارند و با احکام و مسائل فقهیه آن آشنا هستند
میدانند که فقه اسلامی بدو بخش مهم تقسیم شده : - عبادات و معاملات .
مسائل مربوط به طهارت . نماز . زکوة . حج و غیرها از مباحث بخش اول
است . و احکام مربوط بخرید و فروش - اجاره - عاریت . تجارت . رهن . مزارعه
وصایا . مواریث و غیرها مسائل بخش دوم را تشکیل میدهد - از این تقسیم در وهله
اول این نکته بدست می‌آید که نظر دین اسلام بمعاملات و احکام مربوط بخرید و فروش
از این جهت است که معاملات را قسمتی از دین و شریعت اسلامی و یکی از دو عنصر
اساسی تکوین سعادت بشری دانسته و بشر را بآن راهنمایی میکند و این خود نکته
دقیقی است که معاملات را در ردیف عبادات محسوب داشته و جنبه قدسی و خلقی بآن
داده . و توجه بمعاملات را جزء دین و آئین بشر قرار داده و بالاخره اهمیت آنرا از جهت
ارتباط آن با سعادت جامعه بشری مورد دقت قرار داده است تا همان‌طوریکه بشر از
لحاظ عبادات خویش را مسئول دانسته از جهت معاملات نیز خود را مسئول بداند و
بنا بمقدمه بالا احکام بخش معاملات در اجتماع نقش مؤثری پیدا کرده و از نظر مردم

بهرتر میتواند مورد قبول و پذیرش واقع گردد.

امتیاز قوانین موضوعه عرفی با مقررات تشریحی همین نکته است که بالنتیجه آنچه از قوانین معاملات که مولود فکر خود مردم است مانند قوانین تشریحی جنبه قدسی ندارد چون :-

۱ - قوانین وضعی همیشه در معرض تعدیل و تغییر بوده و پیوسته مردم میخوانند بهر حیل‌های شده شانه از زیر بار آنها خالی کنند - در صورتیکه قوانین تشریحی در دلها جا گرفته و حافظ و نگاهداران ایمان قلبی مردم است .

۲ - ارزش قوانین وضعی از حیث متانت و صلاحیت مورد تردید و شك است . در صورتیکه قوانین تشریحی هیچ وقت مورد شك و تردید نیست.

علماء مذاهب مختلفه اسلامی پیوسته مسائل معاملات و احکام مربوط بآنها را از نظر کتاب و سنت مورد بحث و دقت قرار داده و با نشاط و بردباری شگفتی همیشه آنها را دنبال کرده‌اند - تا جائیکه فقه عملی اسلام را بدرجه اصلی رسانیده و دیگران را از اینکه بپایه آنان برسند خسته کرده و ثابت کرده‌اند که اسلام دین همیشگی و نظام حیاتی بشری است .

شریعت اسلامی در تنظیم شئون معاملات و داد و ستد هدفی جز اینکه اجتماع بشری سعادت‌مند گردد و اساس و بنیان سلامت و آرامش اجتماع را محکم سازد ندارد - و بنابراین احکام آن طبیعی و فطری است - شریعت اسلام مبین - حقیقت و فضیلت را هیچگاه از نظر دور نداشته و پیوسته بشر را در جاده صلاح پیش میبرد و بطرف چیزی که در استطاعت او نیست سوق نداده است و در این باب (ابن‌القیم) گفته است :- مبنی و اساس شریعت اسلامی بر حکمت عالیه و مصالح مردم است . چه در معاش و چه در معاد . یعنی در امور دنیوی و اخروی مجموعه این شریعت عدل و رحمت است و عین مصلحت عامه است . هر دستوری که از راه عدالت و مصلحت اجتماع منحرف باشد از احکام شریعت اسلامی نیست اگر چه با تاویل داخل آن شده باشد . واقعاً باید گفت آنانکه شریعت اسلامی را دین کوتاه و نارسائی جلوه داده و گفته‌اند که از دایره عبادات و مسائل روحی و خلقی تجاوز نمیکند قطعاً مرتکب جنایت شده‌اند برخی گفته‌اند

دین اسلام دین خشک و جامدی است و نمیتواند منعکس نظامات جامعه باشد - خدا میداند که شریعت اسلام مصلح عالم بشریت است و هنکرین این حقیقت جاهلند .

پس از ایراد این مقدمه که انگیزه ما از آن متوجه ساختن نظر مسلمانان با اهمیت دین آنان بوده تا آنرا گرامی دانسته و مورد توجه قرار دهند و کاخ مدنیت خود را بر اساس آن مستقر سازند - یکی از موضوعات فقه اسلامی را مورد بحث قرار میدهم و آن عبارت از: -

کسب و کار مشروع از نظر دین اسلام است تا اینکه استحکام مبانی شریعت اسلامی را درک کرده و بدانیم تا چه اندازه احکام آن مطابق با حکمت و مصلحت اجتماع بشری است .

کسب و کار از نظر شریعت اسلام باید پاکیزه باشد - تا جائز و مورد پسند شارع واقع گردد چون خداوند فقط کار پاکیزه را می پسندد و قطعاً کسب و کار پاکیزه جز از راه مشروع که انجام شود تحقق پیدا نمیکند .

راه های مشروع برای کسب زیاد است که تماماً در شرع اسلام مبنی بر سه اصل است :-

اصل اول - کمک و همراهی مابین افراد اجتماع .

اصل دوم - ریشه کن نمودن اسباب اختلاف و نزاع در اجتماع .

اصل سوم - رعایت و ملاحظه جنبه های اخلاقی معاملات .

ما در این مقاله متعرض بیان و تفصیل سه اصل مذکور میشویم:-

۱ - تعاون اجتماعی - بطوریکه ثابت شده انسان مدنی الطبع است و باید در اجتماع زندگی بکند . چون خداوند او را جانشین خود در زمین قرار داده عوامل و مواد صلاح او را در نهادش آفریده و باید از این موهبت الهی حداکثر استفاده را در راه تمشیت امور اجتماعی خود بنماید تا به هدف عالی آفرینش خود برسد و با استفاده از چراغ عقل سختی های امور زندگی را حل کرده و بر آنها فائق گردد - و بهر اندازه که از آن موهبت استفاده کند بهمان اندازه موفق و برعکس هر چه کمتر آنرا مورد

استفاده قرار بدهد زندگی او مختل و افراد جامعه در راه تحصیل سعادت متوجه شکست خود خواهند شد . چون ، افراد در اجتماع بشری درست مانند کارگران کارگاهی میباشند و هر کدام مسئول کار مخصوصی هستند که باید آنرا انجام دهند اگر تمام کارگران کار خود را بنحو احسن انجام دادند نتیجتاً امور کارگاه بخوبی روبراه و متمشی خواهد بود ولی اگر یک نفر از آنان در کار و مسئولیت خود مسامحه نمود کارگاه بهمان اندازه در معرض خطر واقع خواهد شد .

بنابراین اجتماع بشری درست مانند کارگاه بزرگی است که افراد بشر کارگران مربوط بکارگاه را تشکیل میدهند و کمک و تعاون افراد با همدیگر روح کارگاه و ملاک فعالیت آن وقوام درستی و بقاء آن است ولذا احکام شریعت اسلام بر پایه و اساس طبیعی گذارده شده و عبارت از آن است که فرد در مقابل اجتماع از خود گذشتهگی نشان داده و خود را عضوی از اعضاء آن بداند و هر فردی در اجتماع باید عهده دار عملی گردد خواه کارگر یا کشاورز - یا بازرگان یا کارمند باشد و با اندازه ای که از عمل دیگران متمتع میشود باید برای آنان نافع و مفید باشد و بهمین علت و فلسفه ربا که جلب و اکتساب مال بدون تحمل رنج و زحمت است در شرع اسلام حرام تشخیص داده شده چون ربا خواری صاحب مال را بدون خاصیت و درست مانند عضو فالجی برای جامعه میسازد و بهمین جهت قمار نیز از نظر شرع تحریم شده و نیز مانند غضب، کلاه برداری و خیانت در امانت و همچنین اکتساب بوسیله اعمالی که مورد تایید شرع واقع نشده مانند خرید و فروش شراب یا خوک یا اداره نمودن اماکن فساد یا رقص یا ساختن و فروش مجسمه و مانند اینها نیز حرام است . چون جامعه از این نوع کارها استفاده ای نمیکند بلکه برعکس موجب زیان اجتماع است بشدت و بیشتر از بیکاری افراد . و باید بحث در این موضوع را در مواد زیر خلاصه کرد : -

۱ - انسان جانشین مقام کبریائی در زمین است .

۲ - بدون اجتماع نمیتواند زندگی کند .

۳ - آنچه مورد نیاز انسان است در زمین یافت میشود .

۴ - زمین و آنچه در آن هست از خدا است که بقاعدهٔ جان‌نشین بودن انسان از طرف خدا باو واگذار شده .

۵ - هرفردی بهره‌ای از این ثروت خداداد دارد ولی بشرط آنکه بقدر استفاده‌ای که میکند برای اجتماع مفید باشد و کل بر جامعه نگرود.

۶ - استفاده از این ثروت خدا داد باید از راهی باشد که خدا اجازه استفاده از آن را داده است با در نظر گرفتن این مقدمات و مواد معلوم میشود که اسلام خواهان اجتماع ضعیفی که مردم کسل و بی‌کاره در آن زندگی نمایند نیست و هم‌چنین نمیخواهد از افراد فاسد و مضر تشکیل شود بلکه خواهان اجتماعی است کارکن - فعال و زحمت کش که بنای تعاون آن بر اساس نیکی و تقوی و پرهیزکاری باشد نه بر ضرر و زیان یکدیگر .

در اینجا ممکن است ایراد شود که در بعضی معاملات مشروعه صاحب سرمایه زحمتی متحمل نمیشود ولی منتفع میگردد مانند شرکتهائی که در اصطلاح فقها (مضاربه) نامیده میشود که اساس آن عبارت از دادن سرمایه است از طرف مضارب و انجام عمل است از جانب عامل که در نتیجه هر کدام تعدادی از ربح را میبرند - این کار را شرع اسلام تجویز کرده در صورتیکه مضارب فقط مالی میدهد بدون آنکه مانند عامل زحمتی متحمل بشود مانند (ربا) جواب آنستکه ما بین دومورد فرق زیادی است چون در مورد مضاربه صاحب مال خود را در اختیار دیگری قرار میدهد که بجز بگنارد و در طریق رفاه جامعه بکار بیفتد و از عوائد آن هر دو نیز بهره‌مند شوند و مال خدا حبس نباشد نه آنکه دست‌رنج دیگران را بدون عوض به برد . مانند (ربا) که هیچگونه فائده‌ای برای اجتماع ندارد.

۲- ریشه کن نمودن موجبات اختلاف و نزاع بین افراد اجتماع :

هر معامله‌ای از معاملات دارای ارکان طبیعی است که عبارت است از:

۱- متعاملین

۲- مورد معامله

۳- عباراتی که عقد بوسیله آن ایجاد میشود (صیغه معامله)

شریعت اسلام در مورد هر کدام از ارکان مذکور دستوراتی داده و شرائطی مقرر داشته است که بآن وسیله از اختلاف و دعوا و خصومت و کینه توزی جلوگیری نموده است و با در نظر گرفتن و اعمال این نکات جامعه از اختلاف و نزاعی که منجر به فساد است مصون خواهد ماند: در متعاملین شرط شده که هر دو باید رشید و عاقل و عالم باشند و معامله با سفیه و یا صغیریکه مصالح خود را ادراک نمیکند و یا غافل و دیوانه جایز نیست چرا؟ چون معامله‌ای که از روی بصیرت و فهم و اقتدار بر موازنه مابین مبیع و بها انجام نشود اکثراً موجب نزاع و دعوا خواهد شد و یا اقلاً باعث کینه و عداوت بین طرفین میشود که بالنتیجه و در هر صورت باعث اختلال نظم و آرامش اجتماع خواهد شد. مبیع و بها از نظر شرع باید ارزنده باشد و الا عمل عمل بدون فائده و موجب فساد جامعه است. صیغه و الفاظیکه معامله بوسیله آن انجام میشود باید در افاده معنی رضایت عرفاً واضح و روشن باشد. بدون آنکه مجری آن تحت تأثیر فشار - ترس و یا خجالت واقع بشود یا آنکه الفاظ را بصورت لقلقه زبان و بدون اراده و باصطلاح (قصد انشاء) اجرا کند و شارع مقدس این نکته را از نظر بدور نداشته که هر نوع اماره و علامتی در معامله موجود باشد که نشان دهد معامله صوری نبوده یا آنکه بانوعی از اکراه و اجبار انجام نیافته است و الا آن معامله را فاسد دانسته و اثری بر آن مترتب نکرده است.

شروطیکه باید معاملات واجد آن باشند همان بود که مذکور افتاد فلذا شارع هر نوع معامله‌ای را که موجب نزاع و اختلاف بشود ممنوع کرده است بنابراین معاملات بطور (مزابنه) (محاقله) (ملاسه) و (منابذه) که در زمان جاهلیت رواج داشته شرعاً ممنوع و بدون اثر گردیده است (مزابنه فروش ثمره درخت است که هنوز چیده نشده و ثمره موجود معلومی نیست محاقله فروش زراعت گندم است بمقدار معین معلومی از گندم (ملاسه) این بوده که معامله را بوسیله لمس و ساییدن دست به مبیع انجام میدادند (منابذه) عبارت از این بود که خریدار سنگ و یا ریگی بطرف مبیع میانداخت

به هر کدام اصابت میکرد خرید و معامله باین نحو انجام پیدا میکرد. همچنین شارع از خرید و فروش شراب و چیزهای نجس و مجسمه ها و سایر معاملات محرمة که در داد و ستد آن زیانی متوجه متعاملین شود مانند فروش شیئی مجهول یا فروش بنده فراری و همچنین فروش مال معیوب و آنچه موجب غبن فاحش باشد منع نموده است.

پیش از اسلام معاملاتی بین مردم رایج بوده است - اسلام آنچه را موجب ضرر و زیانی نبوده تصویب کرد و هر چه باعث ضرر بود تحریم نمود یا آنکه آنرا تعدیل کرده است و ملائک در حرمت و حلیت و روا و ناروائی معاملات همان جهاتی است که مذکور شد.

۳- مراعات جنبه های اخلاقی در معاملات :

پس از بیان آنچه در اصل اول و دوم مذکور شد - از اینکه معامله باید واجد صفت کمک یا همراهی باشد و موجب نزاع و دعوا نشود - ملاحظه میکنیم که شرع اسلام بآن اکتفا نکرده و متوجه نکات برجسته اخلاقی در معاملات نیز شده است که معامله صرفاً از نظر سودخواهی و استفاده جوئی خشک انجام نشود و دارای جنبه اخلاقی نیز باشد - در احکام زیر این نکته را بخوبی میشود ادراک کرد.

۱- اقاله هر گاه بخواهش یکی از متعاملین باشد مستحب است باین توضیح که هر گاه یکی از متعاملین از التزام خود بمفاد معامله پشیمان شود و متوجه گردد که معامله به مصلحت او نیست و از طرف دیگر بخواهد که از معامله صرف نظر کند در اینجاست موافقت با درخواست او شده و اقاله معامله مورد پسند شارع و مستحب است - در حدیث ماثور آمده: (من اقال نادماً اقاله الله يوم القيامة) هر کس درخواست اقاله را از پشیمانی به پذیرد خداوند در روز قیامت او را خواهد بخشید.

۲ - مکروه است که فروشنده یا خریدار بدون توجه طرف دیگر از مجلس معامله بیرون برود به قصد آنکه حق خیار مجلس دیگری را ضایع کند - باین معنی که هر یک از متعاملین تا از مجلس معامله بیرون نرفته اند خیار مجلس دارند و میشود که

در همان مجلس یکی از متعاملین متوجه بسودخود بشود و اگر بیشتر در آن مجلس بماند ممکن است طرف دیگر نیز متوجه زیان خود گردد لذا از فرصت غفلت او استفاده کرده - از مجلس بیرون میرود - شارع به جنبه اخلاقی اینکار توجه کرده و آنرا منع فرموده است .

۳ از مواردیکه شارع از آن نهی کرد. (تلقی ر کبان) است (پیشواز کردن از فروشندگان کالا که از بیرون به شهر می آیند) باین توضیح که خریدار کالا سر راه فروشنده برود و پیش از آنکه او بشهر برسد و از اوضاع و احوال بازار اطلاع پیدا کند کالا را از او بخرد. مسلم است شخصی که مرتکب این عمل میشود سودپرست است و نهی از آن دارای جنبه تأدیبی و اخلاقی است.

۴ شارع مقدس نهی کرده که شهری متصدی خرید و فروش دهاتی بشود و فرموده : بگذارید مردم از همدیگر منتفع بگردند و در معاملات آنان وارد نشوید چون دهاتی اگر امر خرید و فروش و داد و ستد خود را بدست شهر نشین بسپارد نرخ کالاها بالا رفته و امر خرید و فروش مشکل میگردد .

۵ مسامحه و گذشت در امر داد و ستد مورد پسند شارع است زیرا در حدیث است : مردیکه در خرید و فروش اصول مسامحه و گذشت را ملحوظ دارد آمرزیده خدا است .

۶ - اکتساب و جلب مادیات از راه های نادره و آنچه منافی فضیلت اخلاقی است مانند (ربا) (قمار) نگاهداری زنان بدکاره و احتکار خواربار و ضروریات مردم تحریم شده .

۷ - خرید و فروش در موقعیکه موزن اقامت نماز جمعه را اعلام میدارد حرام است چون اینکار کاشف از آن است که شخص امور دنیوی را بروظائف دینی اخروی ترجیح داده و گرفتار حرص و آرزو و از مزایای اخلاقی بی بهره است .

۸ - شارع مقدس قسم خوردن را بمنظور ترویج کالا تحریم کرده . چون اینکار نیز

منافی اخلاق حسنه و موجب سوء استفاده از نام خداوند است.
سه اصل مذکور اساس و مبنای کسب مشروع است که غرض ما از ذکر امثال و
اشباه متوجه ساختن جامعه مسلمان است بمعارف عالیه اسلامی باندازه توانائی و
استطاعت خویش .

باید مسلمانان فقه اسلامی را مورد توجه قرار داده و احکام آنرا که میراث
گذشتگان است هم مورد عمل قرار داده و هم دیگران را باقتباس و انتفاع از آن
دعوت کنند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی